**رئیس بانک جهانی**

**عامری، علی محمد**

در دنیایی که هیچکس جرأت آغازیدن جنگ ندارد هر وقت حکومتها به گرهی ناگشودنی‏ برمی‏خورند،بر سبیل عادت،به دامان یکی از دو خبرهء صلح یعنی هامرشولد دبیرکل سازمان ملل‏ یا یوجین بلک رئیس بانک جهانی دست می‏زنند.

به تازگی این هر دو به خاورمیانه سفر کرده‏اند.هامرشولد بدین نیت که پلیدیهایی که از ورود سپاهیان امریکا و انگلیس به لبنان و اردن به یادگار ماند،بشوید و یوجین بلک به قصد این که‏ پلشتیهای هجوم سیاه فرانسه و انگلیس را به مصر پاک کند.

سابقه و خوی این دو از همدیگر فرق دارد.هامرشولد سوئدی سائسی است خردپیشه.بلک‏ صراف و اهل ایالت جنوبی امریکا مردی است گرم و سرد چرخ کشیده و شیرین و تلخ دهر چشیده. کشورمداران آتش مزاج و ستیزه‏خوی عرب این هر دو را امین خویش می‏دانند.چنین معروف‏ است که کار او با جمال عبد الناصر به اخلاص و دوستی منجر گشته است.

با همه وعده‏های یاری توأم با شرایط،جمال از بانک جهانی هنوز یک پشیز نگرفته است. سه سال پیش که یوجین بلک به قاهره رفت تا دربارهء سد اسوان با جمال گفت و گوی کند چانه‏ها زد. ناصر از وام بی‏قیاس سخن می‏راند و در همان حال تأکید می‏کرد که وام باید از«اگرومگر»دور و از هر گونه پیرایه مهجور باشد.بلک به خونسردی جواب داد که هر گاه نیمی از مبلغ هنگفت را که خواهان است بتواند به راهی کسب کند نیمی دیگر را وی به او خواهد داد.اما این شرط را به‏ پیشنهاد خویش افزود«وامی را که می‏گیری پس از پایان مهلت باید بازگردانی.»

ازین معامله و مفاوضه هر دو خشنود بودند خاصه که خلق‏وخوی بانک‏داران ایالتهای جنوبی‏ امریکا با خلق‏وخوی کشورمداران شرق چندان بی‏مشابهت نیست.هر دو نسبت به یکدیگر عزت‏ و حرمت روا داشتند و بلک کم‏کم حامی پر حرارت کشیدن سد اسوان گشت.وی می‏گفت«اگر سد چهل میلیون لیره خرج برمی‏دارد در عوض کاری است سترک،دیر پای،مفید و به حق،چه، پایهء زندگی نکبت‏بار فلاحان مصر را بالا می‏برد.

شش ماه بعد،در سال 1956،نقشهء سد کشی برهم خورد چون انگلیس و امریکا از قولی که‏ داده بودند،و بانک جهانی به اتکاء این قول حاضر شده بود به مصر وام دهد،واسر نگیدند.موضوع‏ وام خودبه‏خود عاطل ماند.جمال عبد الناصر در حالی که از غیظ می‏جوشید گذارهء سوئز را به نفع‏ مردمان کشور تصرف کرد تا از درآمد آن مخارج بنای سد را فراهم سازد.دیر نپایید که بر جمال‏ محقق گشت که بلک درین باب نه تنها با انگلیس و امریکا هم‏آواز نبوده بل‏که جدا مخالفت ورزیده‏ است.کشف این حقیقت باعث شد که پس از حادثهء سوئز بنای دوستی این دو بی‏خلل بماند.هنگامی‏ که شرکت گذاره در باب تاوان سرمایه خویش نتوانست با جمال عبد الناصر کنار بیاید از بلک که‏ معتمد علیه هر دو جانب بود درخواست که پای پیش نهد و در ختم قضیه شفاعت کند.بلک به اندک‏ مدت موانع را که بیشتر مربوط به حفظ حیثیت و آب‏روی بود از پیش برداشت.بنابرین سابقه، انگلیس هم‏اکنون بلک را برگزیده تا مشکلات بین دو کشور را که آن هم جنبهء حیثیت و اعتبار دارد،و با همه اشتیاق طرفین،مانع حل اختلاف مالی است مرتفع سازد.بلک رسولی پخته از آب‏ درآمده است و در دشواریهایی از قبیل کشمکش بین ایران و شرکت سابق نفت و نزاع میان هند و پاکستان بر سر آب حوضهء رود سند پایمردی کرده است.

این رشته کارها با نشو و نما و تجربه پیشین او منافات دارد.بلک در شهر تاریخی اتلنتا1واقع‏ در ایالت جورجیا به عرصه آمد.پس ازین که دورهء دانش‏جویی را به پایان رسانید و از دانشکده‏ برخاست به دنبال شغل پدری رفت.صراف شد.به عنوان فروشندهء اوراق وام در جلب مردمان و همرای ساختن آنان قدرتی عجیب نشان داد و به اندک زمان در نقشه‏های خویش کامیاب گشت. در پایان جنگ دوم جهانی نایب رئیس ارشد بانک بزرگ کشور امریکا به نام چیس‏2شد.

در 1947 مک کلوی‏3رئیس بانک جهانی در جست‏وجوی شخصی بود که سمت نمایندگی‏ امریکا را داشته باشد و موجب اعتبار و اهمیت هیأت مدیرهء بانک گردد.یوجین بلک را بدین مقام‏ برگزید.درآن هنگام کار بانک چندان رونق نداشت.این بانک اصلا در سال 1944 در انجمن‏ تعاطی افکار که در بر تن وودز منعقد شد به همت روزولت و کینز4برای ترمیم کشورهایی که در در جنگ آسیب می‏دیدند به وجود آمد.

در 1946 نخستین بانک استمداد از حلقوم فرانسه برآمد.بانک نیم بیلیون دلار به فرانسه‏ وام داد و بیش ازین پولی در بساط نداشت.نقشهء مارشال‏5با اعتبار هنگفت‏تر وظیفهء ترمیم ویرانی‏ (1)- Atlanta ها را به گردن گرفت.

(2)- Chase national Bank

(3)- McCloy

(4)-نویسندهء انگلیس و عالم علم اقتصاد Keynes

(5)- Marshall

بلک دریافت که احتیاجات دورهء بعد از جنگ بسیار اندک برآورد شده است و مبلغ وام مستقیم‏ امریکا به انگلیس برین مدعا گواهی صادق بود.برای رفع این محظور بلک درصدد برآمد که‏ برای بانک از سرمایه‏داران جهان استمداد کند.سهام فروش سابق دست به کار شد و از سرمایه‏داران‏ امریکا و انگلیس و اروپا یاری خواست.به راه‏های دیگر نیز بانک بر اعتبار و قدرت مالی خویش‏ افزود و در آغاز این ماه رسما پیشنهاد شد که سرمایه‏اش به مبلغی برسد که دو برابر مبلغ فعلی بتواند به کشورهای محتاج وام بدهد.کسب حیثیت و اعتبار و قدر و منزلت در میان سرمایه‏داران که آسان‏ آسان پول خرج نمی‏کنند برای این بانک نوظهور یکی از کارهای ممتاز یوجین بلک است.ده سال‏ پیش که وی،به جای مک‏کلوی،رئیس بانک شد پی برد که وظیفهء بانک روی در تبدل دارد و از صورت‏ بانک عمران کشورهای آسیب دیدهء از جنگ به صورت بانک عمران و آبادی کشوهای بی‏دستگاه‏ و واپس ماندهء افریقا و آسیا در می‏آید.

استحقاق ثبت‏نام بلک بر صفحات تاریخ ازین روی است که به شیوهء سرمایه‏داری غرب سرمایه‏ داران فردی را در راه انقلاب عظیم این قرن به خدمت گرفته است و بدین وسیله می‏خواهد به اقوام‏ فقیر و واپس مانده که می‏کوشند به پای کشورهای ثروتمندی که یک قرن و نیم است راه انقلاب‏ صنعتی را طی کرده بر سند مدد برساند.هندوستان کشوری است که بیش از همه از بانک برخوردار گردیده است آن هم هنگامی که وزارت خارجهء امریکا نهرو را به جرم سیاست بی‏طرفی ممقوت می‏شمرد و کریشنامنون‏1به حرکات خویش خون اعضای حزب آهسته‏رو انگلیس را از خشم به جوش می‏آورد.

البته بلک همه این کارها را خود،تنها،انجام نمی‏داد.اما هدایت و تشویق او باعث می‏شد که‏ بانک وظایف خود را خوب اجرا کند.به هر حال او رئیس است و همه اعمال بانک زیر نگین او.جبار منش نیست.در شوراها هنگام بحث و مذاکره،غالبا،بی‏التفات و خاموش است گویی میان‏ خواب و هوشیاری است.زیردستان او که از اقوام مختلفند می‏دانند آرای این مرد آرام که در سخن گفتن کلمات را پر مدّ می‏دهد همه حکم فرمان دارد آن هم از آن نوع فرمان که اجرایش‏ واقعا از واجبات و ضروریات است.

بنابر آیین‏نامه،بانک به کشورهایی وام می‏دهد که آن را در راهی مفید به کار اندازد و پس‏ از انقضای مهلت بتوانند وام را بازگردانند.این آیین‏نامه موافق طبع بلک افتاده است چه،وی، هر چند مردی رحیم‏دل است،در امور مالی موی از ماست می‏کشد.انصاف،بلک شور خدمت دارد. آورده‏اند که روزی در باب امکان عمران و آبادی حوضهء رود سند در مجله‏ای مقاله‏ای خواند.در دم نامه‏ای به نخست‏وزیران هند و پاکستان نوشت درین معنی که بانک حاضر است در حل موضوع‏ تقسیم آب میانگی کند و نیز از یادآور گشت که هر گاه دو کشور با یکدیگر همکای کنند آب بیش‏ از حد احتیاج وجود دارد.کار این پیشنهاد و میانگی کردن،هنوز،به جایی نرسیده است.

افکار و اقدامات تازه،همه موافق آیین‏نامه و وظیفهء بانک،از سفرهای دور و دراز و پی‏ در پی او پدیدار گشته است.بلک تقریبا همه کشورهای بی‏دستگاه را به معاینه دیده اگر چه‏ در سفر چندان خوش نبوده است.وقتی می‏گفت«به پنجاه و شش کشور رفته‏ام و هر بار به اسهال‏ مبتلی گشته‏ام.»زعمای این کشورها نه تنها او را به چشم«خضر»می‏نگرند بل‏که وی را دوست‏ (1)- Krishna Menon